

" آیا کودتای ثور آغاز گر همه بدبختی های مرم افغانستان بوده است؟؟؟ "

هموطنان عزیز، این مطلب را در نوامبر سال 2019 آماده نموده بودم، ولی با تاسف بزرگ، که پیش از به نشر سپاری آن عملیات های غیري مترقبه چشمان من باعث آن گردید، تا از نشر به موقع این مطلب در آن زمان باز بماند؟

اینکه عنقریب بیست و هفتم اپریل، که مصادف به هفتم ثور و یا به اصطلاح برادران جهادی ما سالگرد "کودتای نظامی که آغاز گر همه بدبختی های مرم افغانستان بوده است" می باشد؟

می خواهم آنرا به پیشواز آن اقدام نظامی بدست نشر بسپارم، تا اقدام نظامی آن دوران نیرو های نظامی و سیاسی کشور یکبارگی دیگر مورد بررسی و قضاوت مجدد «مثبت و منفی» آگاهان و تحلیل گران نظامی و سیاسی و قشر چیز فهم در جامعه تغییر نموده افغانستان گردد؟

شاید به گمان کتله بزرگی از مردم خسته از جنگ افغانستان آن باشد، که وقت آن نیست، که پیرامون چنین حوادث و قضایای «کهنه و از اهمیت کاسته شده و بدرد نخور» چند دهه پیش جر و بحث ها و صحبت های تصفیه گرانه و پرخاش گرانه را براه انداخته شوند؟

زیرا جنگ و برادر کشی هنوز هم از جانب طالبان در کشور جریان دارد و امریکایی ها توافق نامه یک جانبه و تسلیم طلبانه شان را با طالبان به امضا رسانیده و حاضر به ترک یک جانبه کشور طی 24 ماه برای طالبان گردیده اند؟

سران جهادی کشور هم با وارخطایی و عجله در تلاش شامل کردن نام های خودی شان و یا هم فرزندی شان در لست مذاکره کننده گان با طالبان برآمده اند، تا در مذاکرات شان با طالبان تضمین و ضمانتی از طالبان غرض سلامت غنایم جنگی شان در داخل کشور به دست بیاورند؟

نجات غنایمی که یک بر سه حصه آنرا برادران جهادی ما آنرا طوری نیمه علنی در کشو سرمایه گذاری نموده اند، تا از خراب شدن خواب آرام شان جلوگیری نموده باشند و از جانب دیگر سرمایه های شانرا نیز نجات داده باشند؟

بررسی چنین مطالب، خصوصن در چنین روز های المناک، که ویروس کشنده و نا مرعی کرونا هم به کشور انتقال داده شده و اولتر از همه دامنگیر همین قشر آسیب پذیر و ملت چور شده و فریب داده شده افغانستان گردیده است؟

ولی به گمان من درست همین وقت و زمان آن است، که پرسید؟

چرا هنوز ملت و مردمی که با سرازیر گری میلیارد ها دالر از امریکا و اروپا هنوز هم هشتاد فیصد از آنان زیری خط فقر زنده گی داشته، دست های شان هنوز هم به گدایی دراز و لباس های شان هنوز هم ژولیده و به گفته سران حکومتی امروز کشور، " قریب به اکثریت بزرگی از آنها شب ها گرسنه به خواب می روند" می باشد؟

این تهمت ریا کارانه و عوام فریبانه تاریخی رهبران مجاهدان و پیشخدمتان جوان آنها تا به امروز که، گویا "کودتای ثور آغاز گر همه بدبختی های مردم افغانستان بوده است" با صحبت های جهادی با سواد تر جناب آقای ریگستانی در مورد فعالیت های نظامی نهضت اسلامی یا جوانان مسلمان افغانستان بعد از کودتای محمد داود، چون (فراگیری تعلیمات نظامی آنها در پاکستان و براه اندازی شورش ها و بغاوت های گوناگون آنها در شهر ها و ولایات مختلف کشور در ایام جمهوری محمد داود و بعدن هم تصمیم عملی و قاطع آنها به کودتای نظامی در مقابل رژیم محمد داود و بالاخره هم علل و عوامل عدم براه اندازی آن کودتا و فرار به آن سوی مرز جوانان مسلمان آنروز افغانستان و بعدن هم برگشت مجدد آنها به کشور) در برنامه گیری سیاسی کاکتوس جناب آقای لشکری یکباری دیگر دروغ از آب برآمد !!!

"اینکه اولتر از همه کیها (هدف از گروه های آیدیولوژیکی آن زمان در افغانستان میباشد) و در کدام سال ها تصمیم مشترک و قاطع شانرا در برداشتن سردار محمد داود در سر پروانیده و به آن اقدام های عملی شانرا به اجرا گذاشتند؟ "

"اینکه اولتر از همه کیها و از کجا کمر تصمیم به جمع کردن گلیم سردار محمد داود را بدوش گرفته و آنرا عملن و علنن آغاز نمودند؟ "

"اینکه اولتر از همه کیها تحت نظر نظامیان بیگانه گان و خصوصن جرنیل ها و کرنیل های پاکستانی اولین آموزش های نظامی و چریکی شانرا فرا گرفتند؟ "

"اینکه اولتر از همه کیها خواستند سردار محمد داود را به زور سلاح کشور های بیگانه و خصوصن پاکستانی ها سقوط نظامی بدهند؟ "

"اینکه اولتر از همه کدام نیروی آیدیولوژیکی نظامی افغانی قیام های مسلحانهء شانرا مقابل دولت سردار محمد داود به صورت علنی و عملی آغاز نمودند؟ "

"اینکه اولتر از همه کیها دست به دامان کشور های بیگانه برده و از آنها در جهت سرنگونی مخالف سیاسی شان و به پیروزی رسانی نهضت اسلامی شان درخواست کمک از کشوری همسایه را نمودند؟؟؟ "

"اینکه اولتر از همه کیها سلاح های ابتدا کشوری همسایه چون پاکستان و بعدن هم سایر کشور های بیگانه دیگر را مقابل دولت مقتدر و با برجای ملکی آن زمان افغانستان بدست گرفته و به شورش های چریکی و بغاوت های مسلحانه نظامی شان در اینجا و آن جای کشور آغازیدند؟؟؟ "

"اینکه اولتر از همه کدام نیروی مذهبی و آیدیولوژیکی مسلح خواستند، که از مناطق و ولایات های مختلف کشور جنگ های مسلحانه و چریکی علنی شانرا مقابل اولین نظام جمهوری در افغانستان آغاز نمایند؟"

"اینکه اولتر از همه کیها پلان کودتای نظامی را در هماهنگی با وزیر دفاع دولت آنروز سردار محمد داود یعنی (جناب آغای مستغنی) طرح نمودند، تا اولین نظام جمهوری در افغانستان را مانند خودی جناب سردار محمد داود از بالا سقوط بدهند؟؟؟"

"اینکه اولتر از همه کدام نیروی آیدیولوژیکی و مذهبی در هماهنگی با وزیر دفاع برحال دولت سردار محمد داود (جناب آغای مستغنی) پلان سرنگونی اولین جمهوریت در افغانستان را علن و عملن روی دست گرفته و به آن اقدام ورزیدند؟؟؟"

"اینکه اولتر از همه کیها بعد از جنگ های ناموفق چریکی شان به کشوری همسایه، یعنی پاکستان گریخته و گویا موقتن به آن پناه بردند؟؟؟"

جالبتر از همه اینکه اولتر از همه آنانیکه خودی شان مقابل همان سردار محمد داود، سلاح بدست گرفتند و جنگیدن، تا به امروز هم در همه مجالس و گرد همایی های گروه پی و گروهی شان، ناله های عوام فریبانه تاریخی را سرداده و افسوس آنرا میخورند، که گویا اگر کمونیست ها چنین یک "رئیس جمهور وطنپرست" را به گلوله نمی بستند و نمی کشتند، (دنیا دیگر گل و گلزار می بود) در حالیکه خودی شان موفق به چنین کاری نشدند، و الی تصمیم قاطع، جدی علنی و عملی چنین کاری را داشتند، منتها صرف موفق به آن نه گردیدند؟؟؟"

جالبتر از همه اینکه، همین دیده درها بیشتر از همه تا به امروز به دروغ اشک تماس ریخته، تاکید نموده و می گویند، که اگر حکومت سردار محمد داود توسط "کمونیست ها" سقوط داده نمی شد، افغانستان دچار این چنین بحران های بعدی نظامی و سیاسی در منطقه نمی گردید؟"

در حالیکه به شهادت تاریخ خودی اینها اولتر از همه کمر شانرا محکم در سقوط آن رژیم و از میان برداشتن آن دولت بسته بودند؟

اگر به سخنان جناب آقای ریگستانی به دقت گوش فرا داده شود مشاهده می گردد، که همین برادران جوان مسلمان در از میان برداشتن جمهوریت در کشور تصمیم جدی و قاطع داشتند؟

اگرچه که جناب آغای ریگستانی خیلی با دقت و سنجیده سخن می گفتند، ولی از ورای سخنان شان به خوبی برملا می گردید ، که از میان بردن شخص محمد داود در صدر برنامه ها و عملیات های نظامی و سیاسی آن سال های همین برادران جوان مسلمان قرار داشت؟

بعد از آمدن امریکایی ها و بدست گیری قدرت توسط جناب آقای کرزی که باری دیگر زمینه دولت داری مجدد این بار دیگر برای " مسلمانان پیر افغانستان " مساعد گردانیده شد؟

این تهمت و این دروغ تاریخی، که تا به امروز هم از جانب برادران "جهاد گر" ما منحیث یک تهمت و دروغ افسانوی به گردن نیرو های مخالف شان "یعنی کمونیست های افغانستان" و یا به اصطلاح دیگری آنها "از دین برگشته گان" افغانستان حواله و انداخته میگردند؟

این تهمت و این دروغ تاریخی تا به امروز هم در رسانه های سمعی و بصری نیز به همین گونه پیوسته به خرد مردم بی پناه و بی دفاع افغانستان داده می شوند، البته که اکنون بعد از سه دهه با صحبت های سنجیده شده جناب آقای ریگستانی این تهمت دروغین و ارهانه گردید و دروغ از آب برآمد؟

بعد از ظاهر شدن جناب ریگستانی "یکی از با سواد ترین از جهادی ها" در برنامه غیر سیاسی کاکتوس، که ذریعه جوان با استعداد آغای لشکری به پیش برده می شود صادقانه روشن و برملا گردیده و ایشان با صداقت کامل پرده از آن افسانه دروغ برادران "جهاد و خون" برداشت.

شاید و ممکن بسیاری از هموطنان این برنامه را قبل ها دیده و به تماشای آن نشسته باشند؟ ولی من چون شخص بعد از عملیات هر دو چشم در اثری توصیه و هدایت اکید و جدی داکترانم از مطالعه، نوشتن و تماشای نشرات بصری محروم گردانیده شده بودم، بناهن با به گوش دادن به نشرات سمعی قناعت نموده و به گوش گیری منظم نشرات تلویزیون ها هم خود را عادت دادم.

با وجودی که این تهمت دروغ و عوام فریبانه تاریخی منحیث یک پژوهشگر تاریخ از چند دهه به اینطرف روح و روانم را پیوسته آزار میداد، که چرا و تا به کی باید به "مردم دروغ گفت" و با افسانه پردازی ها و صحنه سازی های نه چندان راست و صادقانه تاریخی، بار بار خاک به چشم مردم فریب داده شده افغانستان پاشید؟

خوش بختانه جناب آقای ریگستانی با ظاهر شدن شان در برنامه کاکتوس بالای این موضوعی که (اولتر از همه کیها و کدام گروه آیدیولوژیکی و نظامی کمر عملی و علنی شانرا در سقوط اولین جمهوریت در افغانستان بسته بودند و برای موفقیت و دستیابی به چنین خواست های شان خیلی ها هم جنگ ها و آشوب ها را برپا کردند، که جناب آقای ریگستانی خیلی ها واضع و واقع بینانه به همه آنها پرداخت).

با وجودی آنکه جناب آقای ریگستانی یک شخص آگاه بوده و خیلی ها هم با احتیاط و سنجیده سخن می گفتند، ولی بالای وقایع جدی نظامی و سیاسی و تاریخی آن زمان یا چند دهه پیش کشور روشنی های صادقانه شانرا انداختند.

در حالیکه بالای بسیاری از مسایل های تاریخی، نظامی و سیاسی شان افتخارات غلو آمیز نیز داشتند، که شخص بالای بسیاری از صحبت های شان ملاحظات تاریخی و سیاسی خود را دارم، که باید به آنها طوری جداگانه و یک زمانی دیگری پرداخت، عجالتن همین قدر را کافی می پندارم، که بالای گوشه از افتخارات شان تماس می گیرم.

به گمان من نه کودتای ثور، بلکه کشف و ایجاد یک پناه گاه (ضربه ناپذیر) برای دولت های نظامی گر پاکستان و پایه گذاری یک جبهه عقبی مطمین در بیرون از خاک های افغانستان برای پاکستان و در پهلوی آن جوانان مسلمان افغانستان با داوطلبانه قرار دادن خود را در خدمت دولت های نظامی گر پاکستانی و با آغاز جنگ های مکرر در داخل افغانستان و فرار به دامن دولت پاکستان، این "خیمه شب بازی های جوانان مسلمان افغانستان" آغاز گر همه بدبختی های مرم افغانستان بوده است، که دولت های نظامی گر پاکستان تا به امروز هم از همین "پناه گاه استراتژییک" که توسط خودی جوانان مسلمان افغانستان کشف و اساس گذاشته شده است، بر علیه مردم افغانستان استفاده های ناجایزی را نموده است، که مردم بیچاره افغانستان تا به امروز هم توان آن "خبط بزرگ نظامی و سیاسی جوانان مسلمان جهاد گر" شانرا می پردازند؟؟؟

افغانستان و مردم آن از همان "اشتباه جبران ناپذیر جوانان مسلمان افغانستان" تا به امروز و تا به همین اکنون هم از همان "پناه گاه و جبهه مطمین" برای دولت های نظامی گر پاکستان ضربه های جانکاه و جبران ناپذیر را دیده و خورده اند.

افغانستان از همان "خلا و همان شگاف استراتژییک مرزی" نه تنها چندین بار مورد حملات مستقیم نیرو های نظامیگر پاکستان قرار گرفته، بلکه در زمان "حاکمیت روی پرده طالبان" طی همه دوران حکمروایی شان در تحت تسلط کامل کرنیل ها و جرنیل های نظامی پاکستانی قرار داده شد.

بیاید صادقانه به ملت و مردم خود راست گفته و اقرار نمایم، که "ایجاد پناه گاه در خاک پاکستان" مقابل مردم افغانستان، یکی از علل ها و عوامل اصلی و اساسی عدم آرامش افغانستان و مردم آن طی همین چهار دهه بوده است!!!

جوانان مسلمان افغانستان با کشف و اساسگذاری چنین یک "پناه گاه ضربه ناپذیر در خاک پاکستان" مقابل مردم افغانستان و با به فرار به آن سوی مرز ها ، پیوسته دست دولت های افغانستان را از عقب بسته شده و توان تعقیب هر مجرمی را از دست هر دولتی در افغانستان گرفتند؟؟؟

اما پناه گاه ها برای دولت پاکستان و آشوب گران در داخل افغانستان و تروریستان برخلاف منیحت یک "پناه گاه مطمین" خدمت نموده و آنها را از تعقیب بعدی در داخل افغانستان نجات داد!!!

این است کلید اصلی تمام بدبختی ها و نا آرامی های مردم افغانستان، که اکنون "پیران مسلمان افغانستان" از اعتراف و اقرار به آن هراس دارند؟؟؟

"ایجاد جبهه عقبی مطمین در خاک پاکستان" توسط جوانان مسلمان افغانستان سر آغاز همه تباهی ها و در به دری های مردم افغانستان و دولت های بعدی آن بوده اند، که مردم بیچاره افغانستان از همین جبهه و از همین "شگاف نظامی" ضربه های جبران ناپذیر اجتماعی و اقتصادی و زیر بنایی فراوانی را دیده و این عدم آرامش تا به امروز هم دوام دارد؟؟؟"

من منحیث یک هموطن از جناب آقای ریگستانی سپاس گزارم و موفقیت های فراوان را برای شان آرزو می برم.

عظیمی نوامبر سال 2019